

یادداشتی درباره کتاب تعامل مرمت و تاریخ معماری در ایران

اسکندر مختاری طالقانی^۱

۱. عضو هیأت علمی بازنشسته پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

<http://dx.doi.org/10.61882/kcr.8.1.105>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

چکیده

این یادداشت به بررسی کتاب «تعامل مرمت و تاریخ معماری در ایران» نوشته ذات الله نیکزاد پرداخته است. نویسنده اشاره می‌کند که این کتاب با تأکید بر رابطه میان مرمت و تاریخ معماری، به ضرورت حفاظت از آثار معماری به‌ویژه از منظر فهم و انتقال پیام نهفته در آن‌ها پرداخته است. نویسنده معتقد است که مرمت باید فراتر از یک عمل اجرایی صرف، به‌عنوان یک فرآیند تفسیری و پژوهشی در نظر گرفته شود که هدف آن فهم معماری و تاریخ آن است. مرمتگران باید از علوم مختلف بهره‌مند شده و علاوه بر هنر، درک صحیحی از تاریخ معماری و سازندگان آثار تاریخی داشته باشند. مختاری تأکید دارد که مرمتگران باید در کنار مهارت‌های علمی و فنی، به تاریخ‌نگاری و درک فرهنگی آثار معماری بپردازند و این درک باید در فرآیند مرمت به‌کار گرفته شود. تاریخ معماری باید در تعامل با مرمت‌های انجام شده به‌طور دقیق مستند و ثبت شود تا اطلاعات دست اول برای پژوهشگران فراهم گردد. در نهایت، مختاری ضمن بررسی کتاب مرمتگر را به‌عنوان امانتدار تاریخ و علم معماری معرفی کرده و معتقد است وی باید در فرآیند مرمت، با دقت و مسئولیت، اطلاعات و شواهد تاریخی را حفظ کرده و در اختیار نسل‌های آینده قرار دهد. کتاب تعامل مرمت و تاریخ معماری در ایران توجه به اهمیت این رویکرد جدید در مرمت را نشان می‌دهد که باید به‌عنوان اولین گام در پژوهش‌های مرمتی و تاریخ معماری ایران در نظر گرفته شود.



فصل‌نامه دانش حفاظت و مرمت

شاپا چاپی: ۶۰۹۳-۲۵۳۸
شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۶۲۱۷

سال هشتم، شماره اول
شماره پیاپی ۲۳، بهار ۱۴۰۴
صفحات: ۱۰۸-۱۰۵

<https://kcr.richt.ir>

نویسنده مسئول: اسکندر مختاری طالقانی
عضو هیأت علمی بازنشسته پژوهشگاه میراث
فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

رایانامه:
eskandarmokhtari@yahoo.com



واژگان کلیدی: مرمت، تاریخ معماری، حفاظت میراث، ترمیم، تفسیر، تاریخ‌نگاری معماری، مرمت معماری، درک فرهنگی، معماری ایرانی، پژوهش، روش‌شناسی حفاظت.

یادداشتی درباره کتاب تعامل مرمت و تاریخ معماری در ایران

از روزی که معماری شکل گرفت، حفاظت آن نیز برای انسان اهمیت یافت. از اینرو اگر بگوییم که تاریخ حفاظت معماری هم‌زاد معماری است سخن گزافی نیست و عین صواب است. اما فرق است بین حفاظت و نگهداری به منظور تداوم عملکرد برای بهره بردای از یک اثر تا حفاظت از اثر به منظور حفظ پیام نهفته در اثر. بنابراین بهتر است که به وجود انواع مختلفی از حفاظت اثر قائل شویم. حفاظت و نگهداشتی که به منظور پایداری عملکرد اثر کارکرد دارد و حفاظتی که ورای کارکرد به پیام اثر و ضرورت فهم و انتقال این معنا نظر دارد. کتاب *تعامل مرمت و تاریخ معماری در ایران* به این نوع حفاظت فهم‌طلب و معناگرا نظر دارد. و جستجویی است در تاریخ متکی بر تجربیات حفاظتی و فرآیندی که بیشتر به دوران معاصر تعلق دارد تا به گذشته‌های دور، واقعیت آن است که این فهم از حفاظت که بخشی از آن مرمت معماری را در بر می‌گیرد اندیشه‌ای تازه پا گرفته است که حفاظت را فعلی صرفاً اجرایی نمی‌داند، بلکه مرمت اثر تاریخی را قرصتی برای بازشناسی اثر تلقی می‌کند که مراد و منظور از آن فهم معماری است. بخشی از این فهم همان تاریخ معماری را شکل می‌دهد و به کار تاریخ‌نگاران می‌آید، اما بخش اعظم آن فهم انسان گذشته است؛ و اگر بپذیریم که معماران هنرمندان خلاق عصر خویش بوده‌اند، فهم انسان گذشته ادراک گروهی از نواهی و انسان‌های بزرگ اعصار گذشته است. از این رو حفاظت و فعل آن مرمت با تاریخ‌نگاری معماری و فهم معماران و زمینه‌های تجلی این ذوق و نبوغ و قالب معماری سر و کار دارد. اگر نه حفاظت و مرمت از ادراک هنرمند تنها یک کار ساختمانی است نه بیش.

اگر باور داشته باشیم که معماری هنر است و هنر از هنرمندان بر می‌آید، بنابراین باید قائل به آن باشیم که پایداری یک اثر هنری که همان فعل مرمت است بهتر است یا باید از هنرمندان برآید. اما به جهت طبع و ذات اثر هنری که با ماده سر و کار دارد و مواد فناپذیرند و دچار فرسایش می‌شوند، باید بپذیریم که پایدار نمودن ماده محتاج علم است. بنابراین هنرمند مرمت‌گر باید عالم هم باشد و از علوم برای پایدار نمودن اثر هنری بهره گیرد. در ضمن، علم تنها هم کفایت مقصود نمی‌کند بل مهارت هم برای به‌کار بردن فنون لازم است. بدین اعتبار برای پایدارسازی اثر معماری، علاوه بر طبع هنری، علم و دانش و مهارت نیز لازم است. مرمت نوین می‌گوید هنر و دانش و مهارت برای تحقق امر مرمت کفایت نمی‌کند و مرمت علاوه بر این‌ها نیاز به فهم معماری و معمار و زمینه‌های تحقق و تجلی اثر معماری گذشته دارد و مراد از مرمت فهم انسان است، انسان گذشته؛ تا بتواند با فهم انسان و ادراک اثر هنری فرآیند انتقال پیام اثر هنری را محقق سازد. تاریخ معماری بخشی از این فرآیند است.

مسلم است که مرمت باید با شناخت اثر همراه گردد. اما تجربه می‌گوید ذهن جستجوگر و مکاشفه‌جوی مرمت‌گر است که در مواجهه با اثر و لایه‌های تاریخی آن، شناخت اولیه اثر را پشت سر می‌گذارد و به آگاهی می‌رسد، رتبه بعدی، دستیابی به موفقیت است. موفقیت علاوه بر معماری، به معمار و محتوای اثر معماری، به زمینه‌های شکل‌گیری اثر و در نهایت زندگی اثر از منظر کارکردی و محتوا در کنار دقت بر شواهد کالبدی نظر دارد. این مرتبه از فرآیند مرمت با ارتقاء سطح شناخت اثر همراه است. پذیرفتن مسئولیت تاریخ‌نگاری معماری برای مرمت‌گر این فرآیند را مقدور می‌کند.

اگر مرمت‌گر پذیرای فهم تاریخی و تاریخ‌نگاری معماری اثر باشد، با نگاه متفاوتی نسبت به اثر معماری مواجه است. در اینجا درمان فرسودگی‌ها و حذف الحاقات برای پایداری اثر احتیاط طلب خواهد کرد. در این‌جا همه شواهدی کالبدی به عنوان نشانه‌ای از سرگذشت بنا تلقی خواهد شد. این سرگذشت در قالب معماری متجلی است، اما روایت انسان‌های گذشته را در خود دارد و از جوامع انسانی حکایت می‌کند و رفتار انسان گذشته به مثابه اندیشه او تلقی می‌شود و تاریخی که بر این اندیشه رفته است.

فهم نشانه‌ها، همان بستری است که معماری و وضعیت امروز اثر فراهم آورده است. و رویکرد تاریخ‌نگاری معماری از سوی مرمت‌گر همان نقصانی است که تا به امروز متوجه فعالیت‌های مرمتی در ایران بوده است. بزرگان و پیشگامان مرمت کسانی‌اند که این دو را به پایداری و فهم اثر معماری در کنار هم فراهم کرده‌اند. کتاب *تعامل مرمت با تاریخ معماری/ ایران* آقای نیک‌زاد این بخش از تاریخ مرمت را در تعامل با تاریخ معماری تا حد توان و متکی بر اسناد روشن می‌کند.

مکاشفه اثر در جریان حفظ و مرمت آن لذت بخش‌ترین محصول فعل مرمت برای مرمت‌گر است. در این مرحله، فرضیات متکی بر شناخت اولیه یا احتمالات دانش تاریخ به هم می‌ریزند و آگاهی جدیدی در ذهن جستجوگر مرمت‌گر، که اینجا وظیفه تحقیق را بر عهده دارد و محقق است شکل می‌گیرد. این مکاشفه تنها در صورت ثبت و ضبط دقیق داده‌ها پایدار می‌ماند و در غیر این صورت و در صورت مسامحه از بین خواهند رفت. نادیده انگاشتن یا ثبت و ضبط نکردن دقیق اطلاعات به‌دست آمده، پرده کشیدن بر روی تاریخ معماری و محو تاریخ است. این امحاء تاریخی در فرآیند مرمت‌ها صورت گرفته یا در مرمت‌های در دست انجام امری مرسوم

و جاری است و تنها معدودی از مرمتگران خود را پژوهشگر و وظیفه‌مند فرض نموده و به گزارش یافته‌ها دست زده اند. آقای دکتر نیک‌زاد در تحقیق خود به این رویکرد توجه داشته اند و تاریخ نگاری تاریخ مرمت معماری را از این دریچه نگریسته اند. آشکار شدن لایه‌های پنهان در فرآیند مرمت همواره امری محتمل است. مرمتگر باید نسبت به فهم این گونه شواهد آمادگی لازم را داشته باشد. تنها با یک ذهن پژوهشگر است که می‌توان این لحظات را ثبت و گزارش کرد. اما باید همواره این نکته را در نظر داشت که دیگران چه امروز و چه فردا حق دارند که بدانند در فرآیند مرمت یک اثر چه گذشته و چه شواهدی آشکار نشده اند. بنابراین وظیفه مرمتگر در این جا هموار کردن راه تحقیق و قضاوت برای دیگران است. کتاب یادشده به این نکته شاخص که امروز نزد مرمتگران کم‌اهمیت است، توجه می‌دهد.

معلوم است که تحلیل و ادراک داده‌های اثر معماری منحصر به مرمتگران نیست، هم چنان که مورخان معماری نیز انحصاری در قضاوت نسبت به اثر ندارند. مورخان از منظرهای مختلف یا در نسل‌های مختلف می‌توانند دچار اختلاف آرا باشند. از این رو اهمیت تولید اطلاعات مستند و گزارش دقیق آن از سوی مرمتگران و در فرآیند فعل و تحقیق امر مرمت، از واجبات است. محقق مرمتگر می‌تواند صاحب نظریه باشد و به قضاوت دست و یازد اما به گواه تجربیات دوران کوتاه مرمت نوین در ایران، که بخشی از اسناد آن در کتاب *تعامل مرمت و تاریخ معماری ایران* آمده است، وظیفه بزرگ مرمتگران بیشتر از تحلیل آثار یافته شده، تولید و انتشارات اسناد دست اول برخاسته از مطالعات است. امری که امروزه کم‌تر به آن توجه می‌شود و حفاظت اثر تاریخی بیشتر منحصر به حفاظت فیزیکی اثر قلمداد می‌شود. در چنین وجهی و در صورت خلاصه شدن حفاظت و در کالبد اثر، زنجیره شناخت، آگاهی و ادراک اثر معماری کامل نمی‌شود و تاریخ معماری همواره از این ظرفیت بی‌بهره می‌ماند. در این جا روش مطالعات باستان‌شناسان در آثار تاریخی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که یافته‌ها را معمولاً به‌دقت مستند و ثبت می‌کنند. این یافته‌هاست که در نهایت چراغ راه تاریخ معماری و مورخان معماری قرار خواهد گرفت. پس اگر مدعی باشیم که مرمتگر وظیفه دارد که همانند باستان‌شناسان با پدیده‌های انسان‌ساخت مواجه گردد و مانند مورخان نگاه مکاشفه‌گر برای بازخوانی حقیقت و واگویی آن داشته باشد، یک خواسته منطقی و ضروری است. تاریخ معماری ایران از این کاستی‌ها رنج فراوان دیده که باید در صدد رفع آن برآمد. این کتاب به این نکته مهم توجه می‌دهد.

فهم و ادراک تاریخ تحولات اثر و مکاشفه رازهای پنهان در آن توسط مرمتگر، حکم تحویل گرفتن امانتی است از معماری، تاریخ معماری و تاریخ علم و دانش و نیز سرگذشت انسان و جوامع انسانی که در اختیار دیگران قرار گیرد. بدین اعتبار مرمتگر یک امانتدار است و حق آنست که این امانت را به صاحبانش بازگرداند. صاحبان این امانت اندیشه‌ورزان و تاریخ نگاران این نسل و نسل‌های بعدی اند. این امانت که از گذشتگان در دست ماست می‌بایست به نسل‌های بعدی منتق شود. تا وقتی اثر نخورده است این امانت در آن محفوظ می‌ماند اما وقتی یک اثر معماری در فرآیند مرمت قرار می‌گیرد، امانت موجود در اثر به مخاطب که همان مرمتگر است می‌رسد و از آن به بعد او مسئول است که با گزارش دقیق نسبت به فهم محتوای مکتوم در اثر کوشا باشد. مورخین معماری مشتاق‌ترین مخاطبین دستیابی به این اطلاعات محسوب می‌شوند. در اصل امانتی که مرمتگر در اختیار مورخان معماری قرار می‌دهد، می‌باید اسناد دست اول تلقی گردند. اسنادی که نمی‌توان و نباید در آن‌ها چون و چرا کرد. این اسناد که تاریخ را بازخوانی می‌کنند، خود بخشی از تاریخ اند. تاریخی که متکی بر باز یافت‌ها و شواهد مستند و دقیق مرمتگران است با تاریخی که کاتبان روایت کرده اند تفاوت دارد. این روایت متکی بر اسناد و شواهد عین تاریخ است. تاریخ معماری ایران از ورای آثار معماری بر جای مانده از گذشته و به مدد مکاشفات مرمتی امروز نیازمند بازخوانی و بازنویسی است.

برای نویسنده کتاب، که سخت‌کوشی و مداومت راه پژوهش این اثر را پیموده و با امانتداری حاصل یافته خود را به تالیف رسانده و انتشار داده اند، آرزوی توفیق دارم. این تالیف را بایستی آغاز یک راه پر برکت دانست و در استمرار آن کوشید.



تاریخ چند هزار سالهٔ سرزمین ایران، آکنده از اندیشه و اهتمام ایرانیان برای آبادانی سرزمین و ساختن شهرها، روستاها و بناها و گاه بازتاب‌گراندیشی و ویرانی آثار پیشینیان است. تعمیر و محافظت از ساخته‌ها برای تداوم آبادانی روایتی است که از دل این تاریخ بر می‌آید. انسان هرآنچه می‌ساخت که در آن به‌سر می‌برد و پیاپی می‌دانش، تعمیر می‌کرد و به طول عمرش می‌افزود تا ویران نشود و سپس در پی آن بود که نسل‌های بعد از آن بهره‌جویند. از این رو تاریخ مرمت و تاریخ معماری در همسایگی هم به‌سر می‌برند.

هدف مرمت حفظ و دوام اثر تاریخی است که با شناخت و فهم اثر حاصل می‌شود. در فرآیند مرمت فراز مهمی از شناخت با مشاهدهٔ مستقیم و دسترسی به آثار و بقایای مادی بناها میسر می‌شود. در تاریخ معماری فهم گذشتهٔ معماری و شرح و تبیین آن دنبال می‌شود و بخش مهمی از آن با احاطه به میراث عمل معماری (آثار معماری) به‌دست می‌آید؛ بنابراین حفاظت و تحقیق تاریخ معماری زمینه‌های مشترکی دارند که می‌تواند سر و کار داشتن با آثار معماری و شواهد برآمده از آن باشد و در مجموع معرفت به اثر معماری تعبیر شود.